

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال هفدهم، شماره سوم

پاییز ۱۳۹۵، شماره مسلسل ۶۷

نقش قبیله شیعی بنو عبدالقیس

در حیات فرهنگی و اجتماعی کوفه در عصر حضور ائمه علیهم السلام

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۱/۱۱

تاریخ تأیید: ۹۴/۷/۱۳

مهدی سلیمانی آشتیانی *

نعمت‌الله صفری فروشانی **

بنو عبدالقیس، از قبایل عربی شمال شبه‌جزیره هستند که از قرن‌ها پیش از اسلام، در بحرین قدیم (شامل: کویت، احساء، قطر و مجمع‌الجزایر بحرین کنونی) ساکن بوده‌اند. پس از تأسیس شهر کوفه، جمعی از افراد قبیله یادشده، به این شهر مهاجرت کردند و منشأ برخی فعالیت‌ها و تغییرها در مسائل فرهنگی و اجتماعی شهر کوفه در عصر حضور امامان شیعه علیهم السلام شدند. این نوشتار، پس از اشاره به پیشینه اسلام‌آوردن و تشیع‌گروی بنو عبدالقیس و سابقه محبت و ارادت آنها نسبت به خاندان پیامبر، حضور ایشان را در کوفه با روش توصیفی -

* دانشجوی دکترای شیعه‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب: msa0121@gmail.com.

** دانشیار جامعه‌المصطفی‌العالمیه: Emam.hist.ory@gmail.com.

تحلیلی و نیز بهره‌گیری از منابع رجالی شیعه و با هدف شناخت نقش فرهنگی و اجتماعی آنها، گزارش و جمع‌بندی کرده است. از این رو، مقاله پیش رو، به شناسایی پنجاه تن از شخصیت‌های حدیثی این خاندان در کوفه و معرفی آثار آنها در زمینه: حدیث، فقه، کلام و شعر، جایگاه آنان در جمع قاریان، مدرّسان قرآن و خطیبان، مناصب حکومتی آنها و سرانجام معرفی مساجد عبدالقیس، شامل: مسجد سهله، مسجد صعصعه بن صوحان و مسجد زید بن صوحان، به عنوان سه مسجد منسوب به این قبیله، همت گماشته است.

کلیدواژگان: بنو عبدالقیس، اصحاب امام صادق علیه السلام، قبایل شیعه، کوفه، تاریخ تشیع.

درآمد

قبیله عبدالقیس، از مهم‌ترین قبایل ساکن بحرین تاریخی بوده‌اند. می‌دانیم پیش از اسلام و تا حدود قرن هفتم هجری، به همه سرزمین‌های ساحل جنوبی خلیج فارس، بین بصره و عُمان، «بحرین» اطلاق می‌شده است.^۱ بنابراین، بحرین قدیم، شامل: کویت، احساء، قطر و در نهایت، مجمع الجزایر بحرین کنونی می‌شود. درباره مرزهای این ناحیه گفته شده که بحرین، از سمت مغرب، به سرزمین یمامه متصل است و از سمت شمال، به بصره و از جنوب، به عمان می‌رسد.^۲

قبیله عبدالقیس، از تهامه^۳ به بحرین قدیم مهاجرت کردند. بعد از اسلام، جارود بن معلی عبدی که از بزرگان عبدالقیس است، در رأس گروهی از سوی قبیله خود به محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مشرف شد و اسلام آورد^۴ و مسجد عبدالقیس در جوائای بحرین،^۵ به روایت بخاری، دومین مسجدی است که بعد از مسجد النبی صلی الله علیه و آله در مدینه، در آن اقامه نماز جمعه شده است.^۶

گفته‌اند پیش از این جریان، منقذ بن حبان از قبیله بنی غنم از عبدالقیس، برای تجارت

به مدینه رفته بود. با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ملاقات کرد و اسلام آورد. پیامبر به او سوره‌های حمد و علق را آموخت و او را با نامه‌ای به عبدالقیس، روانه بحرین نمود. شاید سفر این دانش‌آموخته قرآنی، اولین حضور اسلام در بحرین باشد.^۷ بعد از درگذشت پیامبر و جریان رده در بحرین، قبیله عبدالقیس از قبایلی بود که در برابر مرتدها ایستاد و بعد از آن نیز در اتفاق‌های جهان اسلام نقش داشت.^۸

با تکیه بر منابع تاریخی، تمام قبیله عبدالقیس یا عمده آنها، به تشیع و محبت نسبت به خاندان پیامبر معروف بوده‌اند. اینکه این گرایش، همان تشیع عام و حبی و یا سیاسی است یا اینکه می‌توان مرتبه‌های بالاتری از تشیع (مثل قول به نص)^۹ را در میان آنها نمایاند، به تحقیق‌های تفصیلی نیاز دارد. ریشه‌ها و نمودهای تشیع بحرین و قبیله عبدالقیس، در مقاله دیگری مورد بررسی قرار گرفته و در مجموع، یک قبیله شیعی یا عمدتاً شیعی دانسته شده است.^{۱۰}

با توجه به ارتباط عبدالقیس کوفه با امامان اهل‌بیت علیهم السلام، جمع بسیاری از آنها را می‌توان به عنوان اصحاب و راویان ائمه شناسایی کرد. به همین جهت، بهترین منبع برای پیگیری افراد این قبیله در عصر حضور ائمه و در کوفه شیعی، همان کتب رجال شیعه، مانند: الرجال نجاشی، الفهرست طوسی، الرجال طوسی، الرجال کشی، الرجال ابن‌غضائری، الرجال برقی، الرجال ابن‌داود و خلاصة الأقوال علامه حلی است.

کتاب‌های: علماء البحرین دروس و غیر از مهتدی بحرانی که به صورت خلاصه ۲۷۰ نفر از شخصیت‌های شیعی بحرین را فهرست و معرفی کرده است و قبیله بنی عبدالقیس از علی کورانی و عبدالهادی ربیعی که در جست‌وجوی حضور فرهنگ و آموزه‌های تشیع در میان قبیله عبدالقیس و خدمات آنها به مکتب اهل‌بیت علیهم السلام بوده است و همچنین، اعلام هجر من الماضین والمعاصرین از هاشم محمد الشخص از محققان هم‌روزگار ما که به

صورت گسترده‌تری به معرفی رجال و بزرگان و دانشمندان بحرین قدیم به ترتیب حروف تهجی پرداخته‌اند. این سه کتاب، بیشتر به شرح حال علما و دانشمندان و شعرای بحرین از قرون میانی به بعد و تا روزگار معاصر پرداخته و در مورد رجال شیعی عبدالقیس در دو قرن نخست هجری نیز، یا در مقام استقصای کامل نبوده‌اند و یا از آنجا که به دنبال لفظ «بحرانی» بوده‌اند، موفق به گردآوری درستی از رجال عبدالقیس نشده‌اند. از سویی نیز هیچ‌کدام در مورد «عبدالقیسی‌های کوفه» متمرکز نبوده‌اند.

برای تعریف فرهنگ که در موضوع مقاله آمده، ساترلند^{۱۱} و وودوارد^{۱۲} گفته‌اند: فرهنگ، شامل هر آن چیزی است که بتواند از نسلی به نسلی دیگر منتقل شود؛ یعنی همان میراث اجتماعی؛ اما تایلور^{۱۳}، مردم‌شناس انگلیسی، فرهنگ و تمدن را به یک معنا و مفهوم گرفت و گفت: «فرهنگ، کلیتِ درهم‌تافته‌ای شامل: دانش، دین، هنر، اخلاقیات، آداب و رسوم و هرگونه توانایی و عادت‌ی که آدمی همچون هموندی (عضویت) از جامعه به‌دست می‌آورد.»^{۱۴}

بدین ترتیب، «حیات فرهنگی» هر جامعه، آن بخش از زندگی روزمره، اقدام‌ها، آثار و میراث آن جامعه است که برای نسل‌های بعدی، باقی می‌ماند و هویت آن جامعه را شکل می‌دهد.

«حیات اجتماعی» هم آن بخش از زندگی شهروندان یک جامعه است که ناشی از دیگرخواهی آنان یا توجه آنها به دیگری باشد. حیات اجتماعی، خود را در قالب «سازمان اجتماع» یا همان روابط و فضاها و قواعد دوستی و دشمنی، کلیت، انسجام، اشتراک، منافع همگانی و چیزهای خوب دیگری از این‌دست، نشان می‌دهد؛ به تعبیر دیگر، «حیات اجتماعی» برآیند یا مجموعه عملکرد خوب یا بد و پایدار و ناپایدار همه نهادهای رسمی و یا غیررسمی اجتماعی (خانواده، آموزش، مراقبت، دین و...) و دربرگیرنده عملکرد مراکز اجتماعی، اجتماعات و پیوندهای اجتماعی است.^{۱۵}

شهر کوفه نیز مشهورتر از آن است که نیاز به معرفی داشته باشد.

در این نوشتار، با روش توصیفی - تحلیلی، حضور افراد قبیله عبدالقیس در کوفه، تأثیر فرهنگی - اجتماعی آنها و نقش آنان در حیات فرهنگی - اجتماعی کوفه و نیز شرکت افراد این قبیله در مظاهر تمدنی کوفه، مانند مساجد و آثار علمی ایشان در این شهر را به صورت گذرا بررسی می‌کنیم.

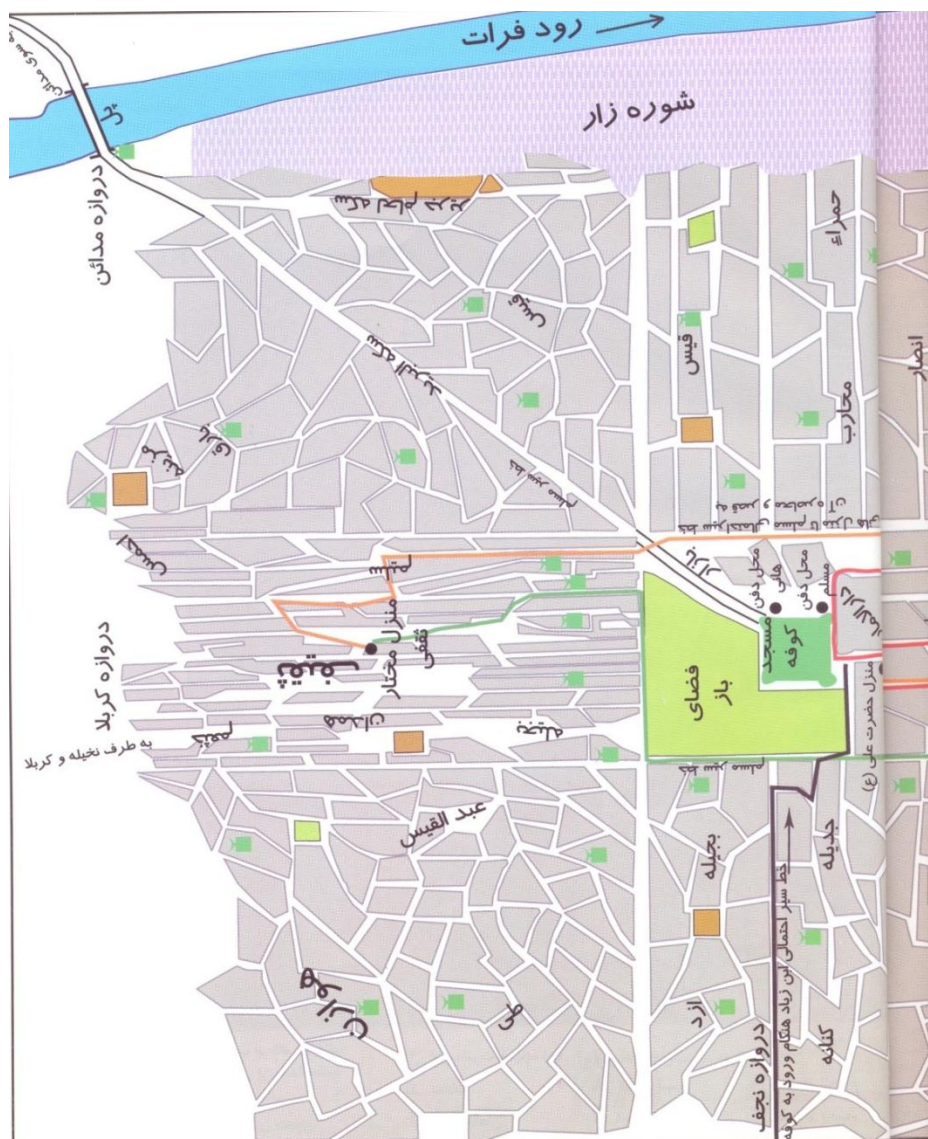
۱. عبدالقیسی‌های کوفه

پس از تأسیس شهر کوفه و توسعه آن در همان دهه‌های اول سده نخست هجری و با افزایش جمعیت در این شهر، سعدبن ابی‌وقاص به نسب‌شناسان دستور داد تا ساکنان را دسته‌بندی کنند و در نتیجه، مردم کوفه به هفت گروه (اسباع) تقسیم شدند.^{۱۶}

طبری به گزارش سیف‌بن عمر، این گروه‌ها را نام می‌برد که یکی از آن گروه‌ها، شامل: ایاد، عک، عبدالقیس، اهل هَجَر و ایرانیان است.^{۱۷} همو، گزارشی را از ابومخنف نقل می‌کند که فهرست گروه‌های ساکن در کوفه، در زمان خلیفه سوم و امیرمؤمنان، علی (ع) است و در این گزارش نیز قیس‌بن عیلان و عبدالقیس، یکی از آن گروه‌ها هستند.^{۱۸} در تقسیم‌بندی‌ها، هر قسمتی دارای امیری بود که امیر قیس و عبدالقیس، سعدبن مسعود ثقفی بوده است.^{۱۹}

از آنجا که به گزارش بلاذری، قبایل نزاری در سمت غربی کوفه مستقر شدند و دیگران نیز این قبیله‌ها را نام برده‌اند، می‌توان اطمینان یافت که عبدالقیس، در سمت غربی مستقر بوده‌اند.^{۲۰}

ماسینیون (د. ۱۹۶۲ م.)^{۲۱} معتقد است که عبدالقیس، تحت ریاست زهره‌بن حویه سعدی تمیمی به کوفه آمدند.^{۲۲} در کوفه همچنین، جبانه و صحرائی نیز به عبدالقیس منسوب بوده است. جبانه یا صحرا، به فضای باز پیرامون قبیله گفته می‌شد که به تدریج برای دفن مردگان و گردهمایی‌های قبیله‌ای به کار می‌رفت.^{۲۳}



و بازسازی نقشه در کتاب اطلس غدیر و عاشورا، ص ۳۱

حضور عبدی‌ها در کوفه که دوستدار خاندان پیامبر بودند، هم کمک به فضای شیعی

کوفه بود و هم آنها نیز رنگ شیعی بیشتری می گرفتند. شاید فضای کوفه، از لحاظ شدت محبت و اتصال به اهل بیت علیهم السلام در حال تکامل و اوج بوده و در زمان های مختلف، تفاوت داشته است؛ به عنوان مثال، تعداد زیاد راویان عبدالقیسی امام صادق علیه السلام، نشان از اوج شیعه گری در کوفه در قرن دوم هجری است.

بررسی تأثیر و تأثر عبدالقیسی ها در کوفه در سال های بعد، مجال وسیع تری را می طلبد. در این نوشتار، تنها به ذکر محدثان و راویان کوفی امامان شیعه که اصالت عبدی داشتند یا به تعبیری «عبدی های کوفی»، بسنده می کنیم.

یکم: اصحاب و راویان امام علی علیه السلام

۱/۱. جَوْرِیقَینِ مُسَهَرِ عَبدی

به نقل ابن شهر آشوب، او مؤذن امیر مؤمنان علیه السلام بوده است^{۲۴} و حضرت به او محبت بسیاری داشت.^{۲۵} در کتاب های حدیثی نیز روایات فراوانی از او نقل شده است.^{۲۶}

۲/۱. رُشید هَجَری

اهل کوفه است و پس از شهادت، در باب نخیله کوفه دفن شد.^{۲۷}

۳/۱. زید بن صوحان عبدی

او از وطن خود، بحرین، به عُمان، مدینه و در نهایت، کوفه هجرت کرد.^{۲۸} مدتی نیز به دستور عثمان، از کوفه به شام تبعید شد.^{۲۹} در کوفه نیز مسجدی به نام او وجود دارد که دارای ادعیه مخصوصی است.^{۳۰}

۴/۱. صعصعَة بن صوحان عبدی

او از اصحاب ممتاز و روات امیر مؤمنان علیه السلام است.^{۳۱} کشی، خطبه صعصعه را در مسجد کوفه در مذمت معاویه نقل کرده است.^{۳۲} صعصعه، از خطبای مشهور کوفه بوده و خودش را «خطیب صلیب رئیس» دانسته است.^{۳۳}

دوم: اصحاب و راویان امام باقر علیه السلام۵/۱. رقید (رقبة) بن مصقله عبدي.^{۳۴}

۶/۱. عمر بن اذینه

او از چهره‌های درخشان و بزرگان اصحاب، و از عبدالقیس^{۳۵} یا موالیان آنهاست.^{۳۶} برخی گفته‌اند: نام او، محمد بن عمر بن اذینه بوده که به نام پدرش مشهور شده است. کشی، او را کوفی و موالی عبدالقیس دانسته است.^{۳۷}

۷/۱. نجم بن حطیم عبدي.^{۳۸}

۸/۱. یونس بن ابی‌یعفور

شیخ طوسی در *الرجال*، او را از اصحاب امام باقر علیه السلام و کوفی دانسته است و دوباره در اصحاب امام صادق علیه السلام نیز نامش را ذکر نموده و او را از بنی‌اشیم می‌داند؛^{۳۹} ولی ابن حجر و ذهبی و دیگران، وی را برادر عبدالله بن ابی‌یعفور و عبدي دانسته‌اند و گاهی او را توثیق کرده‌اند.^{۴۰}

۹/۱. عبدالکریم بن ابی‌یعفور عبدي

او، برادر عبدالله بن ابی‌یعفور است. در کتب رجال، نام او نیامده است؛ ولی شیخ طوسی در *التهذیب و الاستبصار*، حدیثی را از او از امام باقر علیه السلام به نقل از برادرش عبدالله، روایت کرده است.^{۴۱}

سوم: اصحاب و راویان امام صادق علیه السلام

۱۰/۱. ابراهیم بن نعیم عبدي، ابوالصباح کنانی

امام صادق علیه السلام او را به «میزان» توصیف نموده است. او، از قبیله عبدالقیس است؛ ولی چون در میان قبیله بنی‌کنانه زندگی می‌کرده، به «کنانی» معروف شده است.^{۴۲} شیخ مفید، ابوالصباح کنانی را در شمار «فقهای اصحاب» و بزرگانی که حلال و حرام از آنها گرفته می‌شود و از جمله صاحبان کتب و مصنفات، نام برده است.^{۴۳}

۱۱/۱. بشر بن صلت عِدی.^{۴۴}

۱۲/۱. بکر بن محمد عِدی.^{۴۵}

۱۳/۱. خُریث بن عُمیر عِدی.^{۴۶}

۱۴/۱. حسن بن سری عِدی

نجاشی، او را صاحب کتاب دانسته، طریق خود را به وی ذکر می‌کند. شیخ نیز در *الفهرست* او را گزارش کرده و کتابش را از طریق حسن بن محبوب نقل نموده و در *الرجال* در شمارش اصحاب امام صادق علیه السلام، الحسن بن السری العبدی الانباری، معروف به کاتب را آورده است.^{۴۷}

۱۵/۱. حسین بن حماد بن میمون عِدی

کوفی و از اصحاب امام صادق علیه السلام و از موالیان عبدالقیس بوده است. کتاب داشته و از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند و شاگردان و راویان او نیز داود بن حصین، ابراهیم بن مهزم و عبدالله بن مُسکان بوده‌اند.^{۴۸}

۱۶/۱. حسین بن رماس عِدی.^{۴۹}

۱۷/۱. قیس عِدی.^{۵۰}

۱۸/۱. المثنی بن عبدالسلام عِدی

بنا به قول شیخ طوسی، او از موالیان عبدالقیس، کوفی و از اصحاب امام صادق علیه السلام است.^{۵۱}

۱۹/۱. محمد بن حمید عِدی.^{۵۲}

۲۰/۱. محمد بن حنظله عِدی.^{۵۳}

۲۱/۱. محمد بن شهاب بن علاف (علاق) عِدی.^{۵۴}

۲۲/۱. محمد بن عبدالله بن شهاب.^{۵۵}

۲۳/۱. محمد بن مسلم عِدی.^{۵۶}

۲۴/۱. محمد بن همام عِدی، أبو شهاب.^{۵۷}

۲۵/۱. مسلم (مسلم) بن سعید عِدی.^{۵۸}

۲۶/۱. مُعاذ بن الأسود بن قیس عِدی

کوفی تابعی و از اصحاب امام صادق علیه السلام است و شیخ طوسی در شرح حال او فرموده است که معاذ با اسناد از امام، روایت دارد یا از او با اسناد، حدیث نقل شده است.^{۵۹}

۲۷/۱. معاویة بن عمار دهنی عبدی

کوفی، ثقه و از بزرگان اصحاب امام صادق علیه السلام است. پدرش، عمار بن خباب، از عامه بوده است.^{۶۰}

۲۸/۱. نصر (نصر) بن عبدالرحمن عبدی

کوفی و از اصحاب امام صادق علیه السلام است. ممکن است با ابوالولید متحد باشند.^{۶۱}

۲۹/۱. نصر بن عبدالرحمن عبدی.^{۶۲}

۳۰/۱. حمید بن سری عبدی.^{۶۳}

۳۱/۱. خالد بن سری عبدی.^{۶۴}

۳۲/۱. حفص بن سلیم عبدی.^{۶۵}

۳۳/۱. خلاد بن عامر مسلمی عبدی.^{۶۶}

۳۴/۱. خلیل عبدی

کوفی و از اصحاب امام صادق علیه السلام و دارای کتاب بوده است. عبّیس بن هشام ناشری، از او روایت می کند.^{۶۷}

۳۵/۱. سفیان بن سعید عبدی.^{۶۸}

۳۶/۱. سفیان بن مصعب عبدی، شاعر.^{۶۹}

۳۷/۱. سلیمان بن عبدالرحمن عبدی.^{۷۰}

۳۸/۱. شریس بن ابو غماره عبدی.^{۷۱}

۳۹/۱. عبدالرحمن بن منذر عبدی.^{۷۲}

۴۰/۱. عبدالصمد بن بشیر غرامی عبدی

از موالیان عبدالقیس و کوفی است. او را با عبارت «ثقة ثقة» توصیف کرده اند.^{۷۳}

۴۱/۱. عبدالعزیز بن عبدالله عبدی بصری، خزاز

کوفی و از اصحاب امام صادق علیه السلام است. او را ضعیف دانسته اند.^{۷۴}

۴۲/۱. عبدالاعلی بن زید، ابوشاکر عبدی.^{۷۵}

۴۳/۱. عبدالجبار بن مسلم عبدی.^{۷۶}

۴۴/۱. عبدالله بن ابی یعفر عبدی کوفی

از اجلّا و بزرگان روات و از قاریان و مدرسان قرآن در مسجد کوفه و موثق است و منزلتی نزد امام صادق علیه السلام داشته است. در ستایش او، روایاتی نقل شده است. او در ۱۳۱ هـ.ق. (سال طاعون) درگذشت. ابومحمد عبدالله، از موالیان کوفی و هم پیمان قبیله

عبدالقیس بوده است و به همین جهت، وی را عبدی نیز گفته‌اند.^{۷۷}

۴۵/۱. عبدالواحد بن سلمه عبدی.^{۷۸}

۴۶/۱. عطاء بن عامر عبدی کوفی

از موالیان عبدالقیس کوفه و از اصحاب امام صادق علیه السلام است.^{۷۹}

۴۷/۱. علی بن الحسن عبدی کوفی

وی از امام صادق علیه السلام، جابر بن یزید جعفی و البته بیشتر از سلیمان بن مهران روایت

می‌کند.^{۸۰}

۴۸/۱. علی بن حسین عبدی.^{۸۱}

۴۹/۱. علی بن سری عبدی

کوفی و برادر حسن بن سری کوفی از اصحاب امام صادق علیه السلام است.^{۸۲} محقق خویی،

احتمال داده است که او با علی بن سری کوفی یکی باشد.^{۸۳}

۵۰/۱. عمیر بن سُوید عبدی.^{۸۴}

۵۱/۱. عیسی بن ابراهیم عبدی.^{۸۵}

۵۲/۱. منذر بن جُفیر ^{۸۶} بن حکیم عبدی

پدرش از روات امام صادق علیه السلام است. بنابراین، در طبقه، بعد از اصحاب امام

صادق علیه السلام قرار می‌گیرد.^{۸۷}

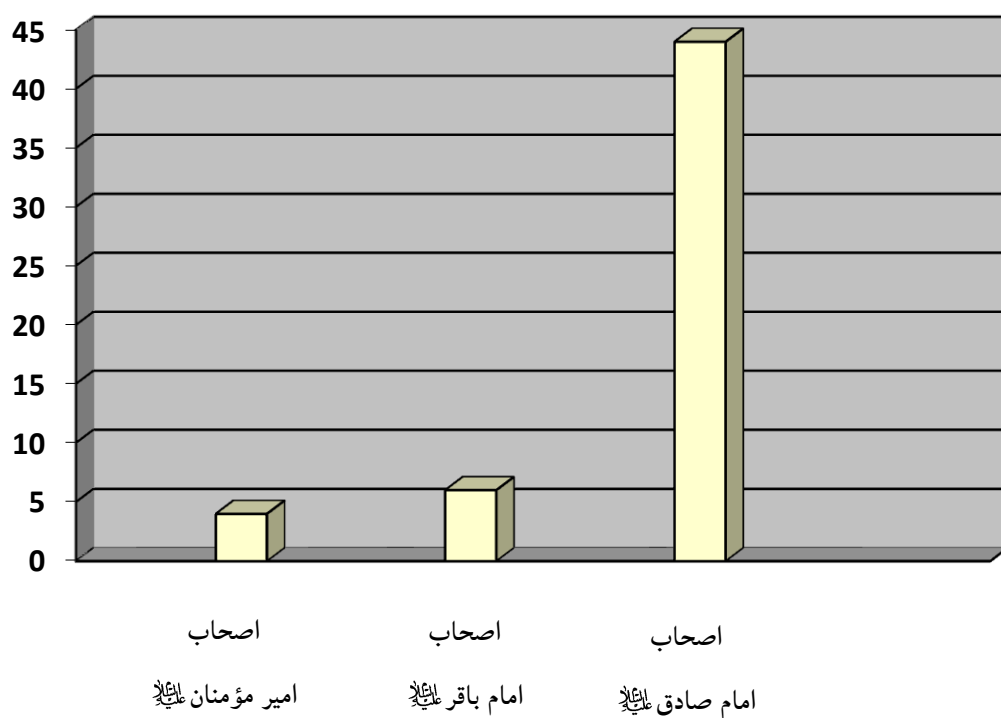
۵۳/۱. خریث بن عمیر عبدی.^{۸۸}

۵۴/۱. عبدالعزیز بن عبدالله خزاز عبدی

کوفی و از اصحاب امام صادق علیه السلام است. او را ضعیف دانسته‌اند. با عنوان «عبدالعزیز

العبدی» در محاسن و کافی روایات بسیاری از وی نقل شده است. وی، کتاب داشته

است.^{۸۹}

نمودار تعداد راویان عبدی کوفی به تفکیک ائمه علیهم السلام

تعداد راویان کوفی ائمه علیهم السلام، چنان که در الرجال شیخ طوسی آمده، حدود ۲۳۶۴ نفر است.^{۹۰} با وجود این، راویان عبدی کوفی با حدود ۵۰ نفر، جمعیت بسیاری نیستند؛ اما به نظر می‌رسد که وجود چندین راوی پُراهمیت و پُرحدیث در میان این افراد، جایگاه راویان عبدی کوفه را ممتاز می‌کند. افرادی همچون: ابراهیم بن نعیم (ابوالصبح کنانی)، ربیع بن عبدالله، عبدالصمد بن بشیر، عبدالله بن ابی یعفور، عمر بن اذینه، عمرو بن جمیع و معاویه بن عمار، در شمار راویان ائمه علیهم السلام از قبیله عبدالقیس در کوفه هستند که از همین

افراد، رقمی بیشتر از چهار هزار روایت در منابع حدیثی شیعه، نقل و گزارش شده است.

۲. کتاب‌های عبدالقیس کوفه

افرادی از عبدالقیس کوفه، دارای آثار و نوشته‌هایی در علوم مختلف دینی و ادبی بوده‌اند. این آثار را باید جزء نموده‌های فرهنگی حضور عبدالقیس در کوفه دانست.

۱/۲. در حوزه فقه

۱. کتاب الحج، از معاویة بن عمار دهنی عبدی کوفی.^{۹۱}

۲. کتاب الصلاة، از معاویة بن عمار دهنی عبدی.

۳. کتاب یوم ولیلة، از معاویة بن عمار دهنی عبدی.

۴. کتاب الطلاق، از معاویة بن عمار دهنی عبدی:

نجاشی، ضمن برشمردن کتاب‌های معاویة بن عمار، طریق خود را نیز نقل می‌کند.

۵. کتاب الزکاة، از معاویة بن عمار دهنی عبدی.^{۹۲}

۶. کتاب الفرائض، از عمر بن اذینه:

نجاشی و شیخ طوسی، به این کتاب طریق نیز دادند.^{۹۳}

۲/۲. در دعا و زیارت

۱. کتاب الدعاء، از معاویة بن عمار دهنی عبدی.

۲. کتاب مزار امیر المؤمنین، از معاویة بن عمار دهنی عبدی.^{۹۴}

۳/۲. کتاب‌هایی که از محتوا و موضوع آنها اطلاعی نداریم:

۱. کتاب اخبار صعصعة بن صوحان عبدی کوفی، از عبدالعزیز بن یحیی جلودی از دی:

نجاشی، ضمن آثار عبدالعزیز جلودی، این کتاب را ذکر کرده است و از موضوع و مطالب آن نیز اطلاعی نمی‌دهد. بنابراین، نمی‌دانیم این کتاب، تاریخ و شرح حال شخص صعصعه

است که جلودی آن را جمع کرده یا روایات و اخباری است که صعصعه آن را جمع یا نقل نموده است.^{۹۵} البته با جست‌وجو در منابع و فهرس کتاب‌هایی مانند: *اخبار المختار*، *اخبار ذی القرنین*، *اخبار ابی محمد سفیان بن مصعب العبدي* و *شعره*، *اخبار ابن ابی عقب و شعره* و...^{۹۶} به نظر می‌رسد، این گونه کتاب‌ها و در بحث ما کتاب *اخبار صعصعه*، باید ناظر به شرح حال افراد و وقایع باشد.

۲. کتابی از ابوالصبح کُنانی: نجاشی از محمد بن علی از علی بن حاتم از محمد بن احمد بن ثابت قیسی از محمد بن بکیر و حسین بن محمد بن سماعه از صفوان، کتاب ابوالصبح را نقل می‌کند.^{۹۷} ابن عقده نیز از ابی جید از ابن ولید از صفار از احمد بن محمد از ابن بزیع و حسن بن علی بن فضال از محمد بن فضیل از ابی الصباح و صفوان بن یحیی از ابی الصباح، همین کتاب را نقل می‌کند.^{۹۸}

در نتیجه، ظاهراً مراد شیخ از «اصل» در رجال، همان «کتاب» در فهرست است.^{۹۹}

۳. کتابی از عبدالعزیز عبدي کوفی: نجاشی، کتابی را برای او گزارش کرده و طریق خود را به کتاب آورده است.^{۱۰۰}

۴. کتابی از ابو عبدالله، حسین بن حماد بن میمون عبدي.^{۱۰۱}

۵. کتابی از عبدالله بن ابی یعفور عبدي کوفی: درباره وی نوشته‌اند: کتابی داشته است که جمعی از اصحاب و از جمله ثابت بن شریح روایت کرده‌اند.^{۱۰۲}

۶. کتابی از عبدالصمد بن بشیر عُرّامی عبدي.^{۱۰۳}

۷. کتاب مثنی بن عبدالسلام عبدي کوفی: قاسم بن اسماعیل، این کتاب را نقل است.^{۱۰۴}

۸. کتاب عمر بن اُذینه: شیخ طوسی، ضمن ذکر این کتاب، سند خود را نیز نقل کرده است.^{۱۰۵}

۳. آثار عبدالقیس کوفه در قرائت، شعر و خطابه

عبدالقیس، عموماً به شعر، قرائت قرآن کریم و خطابه مشهور بودند و برخی از

عبدی‌های کوفیان نیز به همین اوصاف معرفی شده‌اند که از ایشان‌اند:

۱/۳. عبدالله بن ابی‌جعفر عبدی کوفی

از اجلّا و بزرگان روات و از قاریان و مدرّسان قرآن در مسجد کوفه و موثق است و منزلتی نزد امام صادق علیه السلام داشته است. در ستایش او، روایاتی نقل شده است.^{۱۰۶}

۲/۳. سفیان بن مصعب عبدی کوفی

کشی، به سند خود از امام صادق علیه السلام چنین نقل کرده است:

«یا معشر الشیعة علموا أولادکم شعر العبدی فإنه علی دین الله.»^{۱۰۷} که مراد

از «عبدی»، سفیان بن مصعب عبدی است. در روایتی نیز امام صادق علیه السلام شعری از

او را انشاد کرده است.^{۱۰۸}

۳/۳. صعصعة بن صوحان عبدی

کشی همچنین، خطبه صعصعه را در مسجد کوفه در مذمت معاویه نقل کرده است.^{۱۰۹} صعصعه، از خطبای مشهور کوفه بوده و خودش را «خطیب صلیب رئیس» دانسته است.^{۱۱۰} برخی نیز او را در زمره بزرگ‌ترین خطبای عرب دانسته‌اند.^{۱۱۱}

۴/۳. زید بن صوحان

او، از قاریان کوفه است^{۱۱۲} و نیز مانند برادرش، دارای هنر خطابه بوده است. با سلمان فارسی الفت مخصوصی داشت و در امارت سلمان بر مدائن، به این شهر سفر کرد و خطبه خواند.^{۱۱۳}

۴. مناصب عبدالقیس در کوفه

منظور از منصب، شغل و جایگاه رسمی است که از طرف حکومت و دولت به افراد واگذار می‌شود. چند نفر از رجال حدیثی عبدی، دارای منصب حکومتی بودند که عبارت‌اند از:

۱/۴. جَوَیریه بن مُسهر عبدی کوفی

به نقل ابن شهر آشوب، او مؤذن^{۱۱۴} امیر مؤمنان علیه السلام بوده است.^{۱۱۵}

۲/۴ و ۳ و ۴. سیحان و زید و صعصعه (فرزندان صوحان)

سیحان بن صوحان، در جنگ جمل پرچمدار لشکر عبدالقیس بود. بعد از شهادت او، برادرش زید بن صوحان و پس از شهادت زید نیز برادر دیگرش صعصعه، پرچمدار لشکر امیر مؤمنان علیه السلام بودند. همچنین، صعصعه در جنگ صفین نیز جزو امیران لشکر امیر مؤمنان علیه السلام بوده است.^{۱۱۶}

۵. مساجد عبدی‌ها در کوفه

مسجد، یکی از مؤلفه‌های فرهنگی - تمدنی است. در کوفه قرن اول هجری، غیر از مسجد جامع، مساجد دیگری نیز وجود داشته که در منابع تاریخی و جغرافیایی از آنها نام برده شده است.

در این میان، هشت مسجد به عنوان مساجد مبارکه در روایات شیعی نام‌بردار است. این مساجد، عبارت‌اند از: سهله، بنی کاهل، صعصعه بن صوحان، زید بن صوحان، غنی، خنانه، جُعی و الحمراء.^{۱۱۷} مشخص است که از میان نه مسجد مهم و خوش نام کوفه (با احتساب مسجد جامع)، سه مسجد منسوب به بنو عبدالقیس بوده است که نشان از حضور مؤثر این قبیله در کوفه است.

۱/۵. مسجد عبدالقیس

ذکر این مسجد، در قضایای مربوط به قیام مختار و مجازات قاتلان کربلا آمده است.^{۱۱۸} ممکن است، همان مسجد سهله باشد که همچنین، به نام مسجد بنی ظفر^{۱۱۹} هم معروف بوده است.^{۱۲۰}

در دیدگاه شیعی، مسجد سهله دارای جایگاه مهمی است.^{۱۲۱} شیخ صدوق در *الخصال* از محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام در عداد مساجد مبارک کوفه، مسجد بنی ظفر^{۱۲۲} و مسجد سهله را جداگانه نقل کرده است؛ اما در دیگر منابع، مانند *الکافی* و *التهذیب*، همین روایت آمده و فرموده است: «و مسجد بنی ظفر و هو مسجد السهلة». این روایت می‌رساند که

این دو، یک مسجد است و ظاهراً در *الخصال* یا نسخه‌های آن، سهوی روی داده است و حرف «و» اضافه باشد؛ چنان که علامه مجلسی فرموده و معتقد به اتحاد این دو مسجد شده است.^{۱۲۳}

ماسینیون، مسجد السهله، مسجد القری و مسجد الظفیر را نام یک مسجد دانسته و گفته است: این مسجد، به مسجد عبدالقیس نیز مشهور بوده و در ۲۸۶ق. مقدس و معروف بوده است.^{۱۲۴} براقی در *تاریخ کوفه* مسجد بنوظفر را همان مسجد سهیل می‌داند.^{۱۲۵} هشام جعیت در جدولی که بر اساس منابع پیشین ارائه کرده، معتقد است مسجد عبدالقیس، مسجد ظافر و احتمالاً مسجد سهله، یکی هستند.^{۱۲۶} فخرالدین طریحی نیز نوشته است: مسجد بنی‌ظفر، همان مسجد سهله است.^{۱۲۷} طبری نیز در ذکر قضایای قیام مختار ثقفی در کوفه، مکرر از مسجد عبدالقیس نام برده است.^{۱۲۸}

مراد از این تطویل، آن است که در قرون نخست اسلامی، مسجدی به نام قبیله عبدالقیس در کوفه مشهور و معروف بوده است و به احتمال قوی، همان مسجد سهله باشد. این مطلب، نشان از اهمیت و حضور مؤثر شیعیان عبدالقیس در کوفه است. خاطرنشان می‌شود، اگر بپذیریم که مسجد عبدالقیس، همان مسجد سهله است، این مسجد دارای اهمیتی ویژه در معارف شیعی خواهد داشت.

این مسجد، از اماکن و مساجد منسوب به حضرت ولی عصر علیه السلام است و در دو کیلومتری شمال غربی مسجد کوفه و دارالاماره واقع شده و هم‌اکنون نیز برجای مانده است و مورد توجه است.^{۱۲۹} برای مسجد سهله، ویژگی‌ها و امتیازهای فراوانی در روایات شیعی نقل شده است؛ از جمله: اقامتگاه پیامبران و صالحان، اقامتگاه ابراهیم، خضر و ادريس علیهم السلام، محل نزول فرشتگان، آرامگاه صالحان و پیامبران، حشر و نشر همگان به سوی مسجد سهله. همچنین، در احادیث فراوانی، مسجد سهله، به‌عنوان اقامتگاه شخصی امام مهدی علیه السلام و نیز جانشینان ایشان معرفی شده است. از امام صادق علیه السلام راجع به

مسجد سهله آمده است: «أما إِنَّهُ مَنْزِلُ صَاحِبِنَا إِذَا قَدِمَ بِأَهْلِهِ؛^{۱۳۰} آنجا اقامتگاه مهدی است؛ هنگامی که همراه خانواده‌اش در آن اقامت می‌کند.»

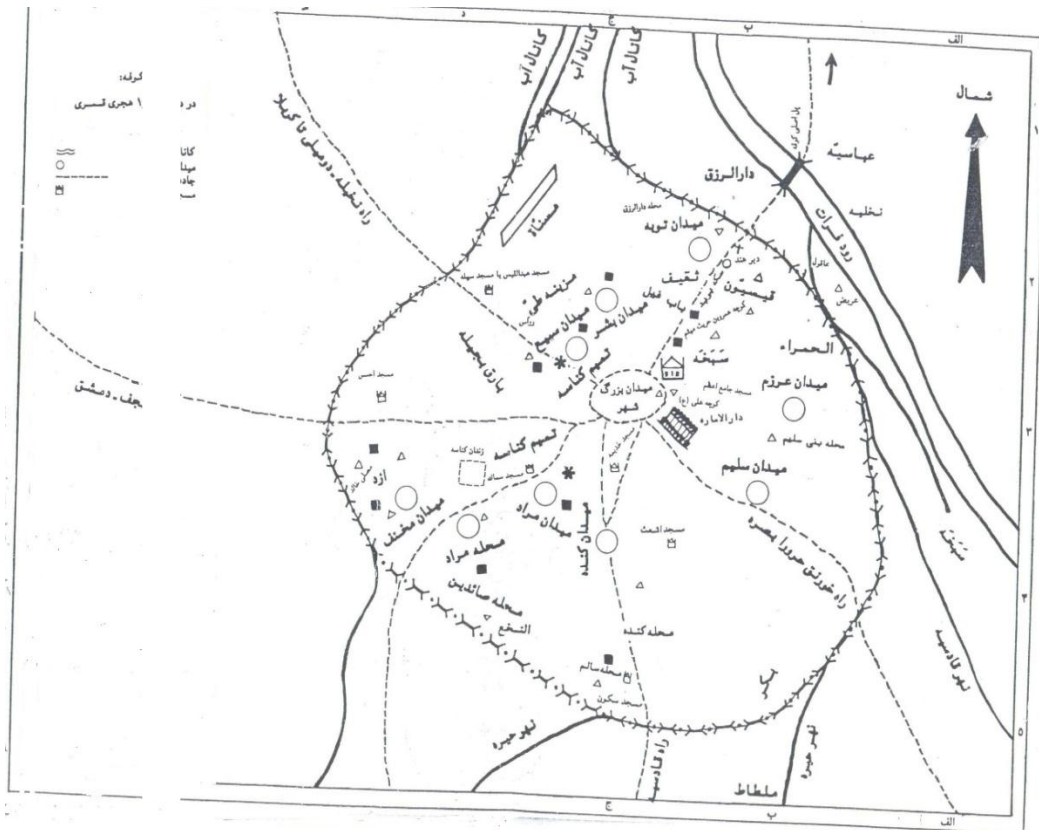
این گونه احادیث، سبب شده‌اند که در طول قرون متمادی، این مکان مورد توجه بزرگان شیعه و عموم شیعیان قرار گیرد؛ البته در منابع روایی، دلیلی بر اینکه در این مکان، به‌عنوان نام مهدی علیه السلام عملی عبادی انجام شود و یا زمان خاصی به یاد ایشان به این مکان رفت‌وآمد شود، وجود ندارد. مهم‌ترین عمل در مسجد سهله، دو رکعت نماز تحیت میان نماز مغرب و عشاء است. اگرچه مرسوم است که شیعیان در شب چهارشنبه به آن مسجد می‌روند، ولی در این زمینه، دلیل دینی در دست نیست. البته سیدبن طاووس گفته است: اگر خواستی به مسجد سهله بروی، آن را در میان مغرب و عشاء شب چهارشنبه قرار بده که افضل از دیگر وقت‌هاست.^{۱۳۱}

۲/۵. مسجد صعصعه‌بن صوحان

از مساجد مهم کوفه است که در شمال غربی کوفه در محله عبدالقیس و در کنار مسجد سهله قرار دارد.^{۱۳۲} به نقل سیدبن طاووس در *الإقبال*، امیر مؤمنان علیه السلام در آنجا نماز خوانده است.^{۱۳۳} جمعی از بزرگان، از علی‌بن محمدبن عبدالرحمن تستری جریانی در مورد نماز در ماه رجب در این مسجد نقل کرده‌اند.^{۱۳۴}

۳/۵. مسجد زیدبن صوحان

این مسجد نیز در کنار مسجد سهله و مسجد صعصعه، از مساجد مقدس کوفه است و در شمال غربی این شهر و محله عبدالقیس قرار دارد. نماز تحیت و دعای مخصوصی نیز برای آن نقل شده است.



موقعیت مسجد عبدالقیس در کوفه بر اساس نقشه ماسینیون

در خطط الکوفه، ص ۲۹

نتیجه

در این نوشتار، حضور شخصیت‌های علمی در حوزه‌های: حدیث، فقه، تفسیر، کلام و دیگر علوم اسلامی، حضور صاحب‌منصبان، قاریان، شاعران، خطیبان و همچنین، وجود آثار مکتوب علمی و ابنیه عمومی و خصوصی مانند: مسجد، محل‌های اجتماع و قبرستان (به‌عنوان برخی مؤلفه‌های فرهنگی - تمدنی)، از نمودهای حضور در فرهنگ و اجتماع قلمداد شده است. بنابراین، گزارش وجود بیش از پنجاه راوی عبدالقیسی از پیشوایان شیعه به‌عنوان واسطه انتقال و اشاعه فکر شیعی که بی‌شک در ترویج این تفکر در کوفه مؤثر بوده‌اند، پانزده عنوان کتاب و اثر از آنان در موضوعات حدیثی، فقهی و دعایی که در کتب فهرس و رجال حدیث شیعی ذکر شده است و همچنین، حضور شاعران، خطیبان، قاریان و صاحبان مناصب از افراد قبیله عبدالقیس در شهر کوفه، همگی نشان می‌دهد که بنو عبدالقیس در کوفه فعال و مطرح بوده‌اند.

سه مسجد منتسب به عبدالقیس از میان مساجد هشت‌گانه موصوف به مبارکه در کوفه و نیز جبانه، صحرا و قبرستان منتسب به عبدالقیس در مرکز شهر، نشانگر حضور جدی و تأثیرگذار آنها در فرهنگ، اجتماع و تمدن شهر کوفه، به‌عنوان یک شهر شیعی است. با شناسایی و معرفی شاخصه‌های پیش‌گفته و با استفاده از اطلاعات، آمار و نمودارهایی که آمد، میزان حضور و نقش قبیله عبدالقیس در عصر حیات امامان شیعه در کوفه، «مهم» و «قابل توجه» به نظر می‌رسد.

پی‌نوشت‌ها

۱. فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد، کتاب العین، تحقیق: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، مؤسسه دارالهجرة، الطبعة الثانية، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۲۲۰.
۲. ابن‌رسته، الاعلاق النفیسة، ترجمه و تعلیق: حسین قرچانلو، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۵ش، ص ۲۱۳.
۳. آن بخش از جزیره‌العرب است که در جنوب حجاز قرار دارد. در تعریفی دیگر، خود حجاز، دو ناحیه غربی و شرقی دارد؛ ناحیه شرقی آن، منطقه‌ای کوهستانی است که «حجاز» نامیده می‌شود و قسمت غربی آن، دشتی سرازیر به سوی دریای سرخ است که «تهامه» نام دارد. (ر.ک: حموی، یاقوت، معجم البلدان، تهران: سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۰ش، ج ۲، ص ۶۳)
۴. سمعانی، الأنساب، تحقیق: عبدالله عمر بارودی، بیروت: دار الجنان، الطبعة الأولى، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۳۵.
۵. جُوَاثی یا جُوَاثاء و جُوَاثا و یا جُوَاثا، شهر و قلعه‌ای از طایفه عبدالقیس در بحرین بوده است. از ابن‌عباس نقل شده است که: «أول جمعة جمعت بعد جمعة جمعت فی مسجد رسول الله ﷺ فی مسجد عبدالقیس بجوآثا من البحرين.» (ر.ک: یاقوت، معجم البلدان، پیشین، ج ۲، ص ۱۷۴؛ ابن‌عبدالحق، عبدالمؤمن، مرصد الاطلاع على اسماء الامكنة والبقاع، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۵۳؛ بخاری، صحیح البخاری، تحقیق: مصطفی دیب البغا، بیروت: دار ابن‌کثیر، الطبعة الرابعة، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۱۱۷)
۶. بخاری، صحیح البخاری، پیشین، ج ۵، ص ۱۱۷.

۷. عینی، محمود بن احمد، عمدة القاری، تحقیق: دار إحياء التراث العربی، بیروت: ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۰۹.

۸. برای آشنایی مختصر با تاریخ قبیله بحرین پیش و بعد اسلام، رک: قیم، بهادر و مسعود ولی‌زاده، «نقش و عملکرد قبیله عبدالقیس در روند تحولات سیاسی جهان اسلام»، پژوهش‌نامه تاریخ اسلام، شماره ششم، تابستان ۱۳۹۱ش.

۹. منظور از شیعه به معنای عام، همان یاران و دوستان امام علی (علیه السلام) و فرزندان اوست که گاهی به «شیعه حبّی» تعبیر می‌شود و در میدان اجتماع و حکومت، به تشیع سیاسی تبدیل می‌گردد. منظور از شیعه اعتقادی نیز، اعتقاد به نص در جانشینی پیامبر است. برای این بحث، رک: فیاض، عبدالله، تاریخ الإمامة و سلفهم، بیروت: ۱۴۰۶ق، ص ۳۱؛ آقانوری، علی، «شیعه و تشیع مفهوم‌شناسی، ماهیت و خاستگاه»، شیعه‌شناسی، ش ۱۱.

۱۰. سلیمانی آشتیانی، مهدی و مهدی مهریزی، «تشیع و پیشینه آن در بحرین»، شیعه‌شناسی، ش ۴۲، تابستان ۱۳۹۲ش.

11. Sutherland .

12. Woodward.

13. Edward bunt taylor.

۱۴. آشوری، داریوش، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا، ۱۳۷۵ش، ص ۱۱۲ - ۱۱۳؛ مشبکی، اصغر، مدیریت رفتار سازمانی؛ تحلیل کاربردی، تهران: ترمه، ۱۳۷۹ش، ص ۴۳۶.

۱۵. چاوشیان، حسن، فرهنگ علوم اجتماعی قرن بیستم، ویلیام آوتویت و تام باتومور، تهران: نشر نی، ۱۳۹۲ش، مدخل‌های «اجتماع» و «جامعه».

۱۶. برای تاریخ کوفه، رک: جعیط، هشام، الکوفة کوفة نشأة المدينة العربية الإسلامية، ترجمه:

ابوالحسن سروقده مقدم، با نام: کوفه پیدایش شهر اسلامی؛ براقی نجفی، سید حسین، تاریخ کوفه، ترجمه: سعید راد رحیمی؛ ماسینیون، لویی، جغرافیای تاریخی کوفه، ترجمه: عبدالکریم قنوت؛ صفری فروشانی، نعمت‌الله، کوفه از پیدایش تا عاشورا.

۱۷. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (م. ۳۱۰ ق)، تاریخ الطبری (تاریخ الأمم والملوک)، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، القاهرة: دار المعارف، الطبعة الأولى، ۱۹۶۸ م، ج ۳، ص ۱۵۱ - ۱۵۲.

۱۸. همان، ج ۴، ص ۵۱۹.

۱۹. مزاحم منقری، نصر، وقعة صفین، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتبه آیه الله مرعشی، دوم، ۱۳۸۲ ق، ص ۱۱۷.

۲۰. بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، تحقیق: عبدالله و عمر انیس الطباع، بیروت: مؤسسه المعارف، الطبعة الأولى، ۱۴۰۷ ق، ص ۲۸۶.

21. louis Massignon .

۲۲. ماسینیون، لویی، خطط الکوفة وشرح خريطتها، صیدا: ۱۳۶۵ ش، ص ۱۱.

۲۳. براقی نجفی، سید حسین، تاریخ الکوفة، ترجمه: سعید راد رحیمی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۸۱ ش، ص ۱۴۳ و ۱۴۴.

۲۴. ابن شهر آشوب، محمد، مناقب آل ابی طالب، تحقیق: یوسف بقاعی، دار الأضواء، بیروت: الطبعة الثانية، ۱۴۱۲ ق، ج ۳، ص ۹۰.

۲۵. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، دار احیاء الکتب العربیة، اول، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۹۰.

۲۶. صدوق، محمد بن علی، کتاب من لا یحضره الفقیه، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، الطبعة الثانية، ۱۴۰۴ ق، ج ۴، ص ۴۳۹.

٢٧. براقى نجفى، تاريخ الكوفة، پيشين، ص ١٠٢.
٢٨. شخص، هاشم محمد، اعلام هجر من الماضين والمعاصرين، بيروت: مؤسسة أم القرى، ١٤١٦ق، ج ٢، ص ٦٩.
٢٩. ابن عساکر، أبو القاسم، تاريخ مدينة دمشق، تحقيق: على شيرى، بيروت: دار الفكر، ١٤١٩ق، ج ١٩، ص ٤٢٩.
٣٠. ابن مشهدى، محمد بن جعفر، المزار، تحقيق: جواد قيومى اصفهانى، نشر قیوم، ١٣٧٧ش، ص ١٤٣.
٣١. طوسى، محمد بن حسن، رجال الطوسى، تحقيق: جواد القیومى، قم: مؤسسه النشر الإسلامى، الطبعة الأولى، ١٤١٥ق، ص ٦٩، رقم ٦٢٥.
٣٢. همو، اختيار معرفة الرجال، (رجال الكشي)، تحقيق: سيد مهدي رجایی، قم: مؤسسه آل البيت، ١٤٠٤ق، ص ٦٨ - ٦٩، رقم ١٢٣.
٣٣. طبرى، تاريخ الأمم والملوك، پيشين، ج ٤، ص ١٤٤.
٣٤. طوسى، رجال الطوسى، پيشين، ص ١٣٥، رقم ١٤٠١.
٣٥. نجاشى، احمد بن على، رجال النجاشى، تحقيق و نشر: قم: مؤسسه النشر الإسلامى، الطبعة الخامسة، ١٤١٦ق، ص ٣٨٣، رقم ٧٥٢.
٣٦. طوسى، رجال الطوسى، پيشين، ص ٣١٣، رقم ٤٦٥٥.
٣٧. كشي، محمد بن عمر، اختيار معرفة الرجال، قم: مؤسسه آل البيت، ص ٣٣٥، ح ٦١٢.
٣٨. طوسى، رجال الطوسى، پيشين، ص ١٤٧، رقم ١٦٣١.
٣٩. همان، ص ١٥٠، رقم ١٦٦٤؛ همان، ص ٣٢٦، رقم ٤٨٥٤.
٤٠. مزى، يونس بن عبد الرحمن، تهذيب الكمال فى أسماء الرجال، تحقيق: بشار عواد معروف،

- بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ق، ج ۳۲، ص ۵۵۸، رقم ۷۱۸۹.
۴۱. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، تحقیق: سید حسن موسوی خراسان، تهران: دار الکتب الإسلامية، الطبعة الثالثة، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۱۳، ح ۲.
۴۲. طوسی، رجال الطوسی، پیشین، ج ۱، ص ۳۵۲، ح ۶۵۸.
۴۳. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، الکافّة فی ابطال تویة الخاطئة، تحقیق: علی اکبر زمانی نجاد، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، الطبعة الأولى، ۱۴۱۳ق، ص ۲۵.
۴۴. طوسی، رجال الطوسی، پیشین، ص ۱۶۹، رقم ۱۹۶۳.
۴۵. همان، ص ۱۷۰، رقم ۱۹۷۹.
۴۶. همان، ص ۱۹۳، رقم ۲۴۰۷.
۴۷. نجاشی، رجال النجاشی، پیشین، ص ۴۷، رقم ۹۷؛ طوسی، رجال الطوسی، پیشین، ص ۱۲۸، رقم ۱۷۴.
۴۸. نجاشی، رجال النجاشی، پیشین، ص ۵۶، رقم ۱۲۴؛ طوسی، رجال الطوسی، پیشین، ص ۱۸۳، رقم ۲۲۱۰.
۴۹. طوسی، رجال الطوسی، پیشین، ص ۱۸۳، رقم ۲۲۲۴.
۵۰. همان، ص ۲۷۲، رقم ۳۹۲۱.
۵۱. همان، ص ۳۰۵، رقم ۴۴۹۷.
۵۲. همان، ص ۲۸۱، رقم ۴۰۶۳.
۵۳. همان، ص ۲۷۹، رقم ۴۰۴۲.
۵۴. همان، ص ۲۸۶، رقم ۴۱۴۹.
۵۵. همان، ص ۲۸۷، رقم ۴۱۷۶.

۵۶. همان، ص ۲۹۴، رقم ۴۲۹۴.
۵۷. همان، ص ۲۹۷، رقم ۴۳۴۵.
۵۸. همان، ص ۳۰۳، رقم ۴۴۵۶.
۵۹. همان، ص ۳۱۲، رقم ۴۶۲۲.
۶۰. نجاشی، رجال النجاشی، پیشین، ص ۴۱۱، رقم ۱۰۹۶.
۶۱. طوسی، رجال الطوسی، پیشین، ص ۳۱۵، رقم ۴۶۸۱.
۶۲. همان، رقم ۴۶۷۹.
۶۳. همان، ص ۱۹۳، رقم ۲۳۹۷.
۶۴. همان، ص ۱۹۸، رقم ۲۵۰۷.
۶۵. همان، ص ۱۹۰، رقم ۲۳۴۱.
۶۶. همان، ص ۱۹۹، رقم ۲۵۲۴.
۶۷. نجاشی، رجال النجاشی، پیشین، ص ۱۵۳، رقم ۴۰۴.
۶۸. طوسی، رجال الطوسی، پیشین، ص ۲۲۰، رقم ۲۹۳۱.
۶۹. همان، رقم ۲۹۲۷.
۷۰. همان، ص ۲۱۶، رقم ۲۸۵۵.
۷۱. همان، ص ۲۲۴، رقم ۳۰۲۱.
۷۲. همان، ص ۲۳۶، رقم ۳۲۱۸.
۷۳. نجاشی، رجال النجاشی، پیشین، ص ۲۴۸ - ۲۴۹، رقم ۶۵۴.
۷۴. طوسی، رجال الطوسی، پیشین، ص ۲۶۵.
۷۵. همان، ص ۲۴۱، رقم ۳۳۲۵.

۷۶. همان، ص ۲۴۲، رقم ۳۳۴۳.
۷۷. شبستری، عبدالحسین، الفائق فی رواة واصحاب الإمام الصادق علیه السلام، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۲۹۰.
۷۸. طوسی، رجال الطوسی، پیشین، ص ۲۴۲، رقم ۳۳۳۲.
۷۹. همان، ص ۲۶۰، رقم ۳۷۰۷.
۸۰. خوئی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، قم: منشورات مدينة العلم، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲، ص ۳۷۸، رقم ۸۰۴۰.
۸۱. طوسی، رجال الطوسی، پیشین، ص ۲۴۶، رقم ۳۴۲۸.
۸۲. همان، رقم ۳۴۱۸.
۸۳. خوئی، معجم رجال الحديث، پیشین، ج ۱۲، ص ۳۷، رقم ۸۱۴۷.
۸۴. طوسی، رجال الطوسی، پیشین، ص ۲۵۶، رقم ۳۶۱۷.
۸۵. همان، ص ۲۵۸، رقم ۳۶۴۹.
۸۶. در الفهرست و الرجال شیخ طوسی، نام او «جیفر» ثبت شده است.
۸۷. طوسی، رجال الطوسی، پیشین، ص ۴۷۶، رقم ۷۶۷.
۸۸. همان، ص ۱۹۳، رقم ۲۴۰۷.
۸۹. همان، ص ۲۶۵، رقم ۳۸۰۹؛ نجاشی، رجال النجاشی، پیشین، ص ۲۴۴، رقم ۶۴۱.
۹۰. شفیعی، سعید، مکتب حدیثی شیعه در کوفه، قم: مؤسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۹ش، ص ۲۵۴.
۹۱. برقی، احمد بن ابی عبدالله، رجال البرقی، تهران: جامعة طهران، ۱۳۴۲، ص ۳۳.
۹۲. نجاشی، رجال النجاشی، پیشین، ص ۴۱۱، رقم ۱۰۹۶.

۹۳. همان، ص ۲۸۳، رقم ۷۵۲؛ طوسی، رجال النجاشی، پیشین، ص ۳۲۴، رقم ۵۰۴.
۹۴. نجاشی، رجال النجاشی، پیشین، ص ۴۱۱، رقم ۱۰۹۶.
۹۵. همان، ص ۲۴۴، رقم ۶۴۰.
۹۶. رک: همان، ص ۱۷، ۱۸ و ۶۵.
۹۷. همان، ص ۲۰، رقم ۲۴؛ طوسی، رجال الطوسی، پیشین، ص ۵۲۵، رقم ۲۴.
۹۸. طوسی، رجال الطوسی، پیشین، ص ۵۲۶، رقم ۸۴۰.
۹۹. خوئی، معجم رجال الحديث، پیشین، ج ۱، ص ۲۱۵، رقم ۳۲۹.
۱۰۰. نجاشی، رجال النجاشی، پیشین، ص ۲۴۸، رقم ۶۵۴.
۱۰۱. همان، ص ۵۶، رقم ۱۲۴؛ طوسی، رجال الطوسی، پیشین، ص ۱۸۳، رقم ۲۲۱۰.
۱۰۲. طوسی، رجال الطوسی، پیشین، ص ۲۳۰، رقم ۳۱۰۶.
۱۰۳. نجاشی، رجال النجاشی، پیشین، ص ۲۴۸ - ۲۴۹، رقم ۶۵۴.
۱۰۴. طوسی، رجال الطوسی، پیشین، ص ۳۰۵، رقم ۴۴۹۷.
۱۰۵. همان، ص ۳۲۴، رقم ۵۰۴.
۱۰۶. همان، ص ۲۳۰، رقم ۳۱۰۶؛ نجاشی، رجال النجاشی، پیشین، ص ۲۱۳، رقم ۵۵۶.
۱۰۷. کشی، إختیار معرفة الرجال، پیشین، ص ۴۰۱، ح ۷۴۷.
۱۰۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، بیروت و طهران: دار صعب و دار الكتب الإسلامية، الطبعة الثالثة والخامسة، ۱۳۷۵، ج ۸، ص ۲۱۵.
۱۰۹. کشی، رجال الکشی، پیشین، ص ۶۸ - ۶۹، رقم ۱۲۳.
۱۱۰. طبری، تاریخ الأمم والملوک، پیشین، ج ۴، ص ۱۴۴.
۱۱۱. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست للندیم، ترجمه و تحقیق: محمدرضا تجدد، ۱۳۸۱ش، ص

۲۰۶

۱۱۲. ابوالفرج، علی بن حسین، *الآغانی*، تحقیق: علی مهنا و سمیر جابر، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۷ق، ج ۱۲، ص ۱۶۷.

۱۱۳. ابن عساکر، *تاریخ مدینة دمشق*، پیشین، ج ۱۹، ص ۴۳۹.

۱۱۴. گفتنی است که سیمت «مؤذن»، از دوره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دارای جایگاه حکومتی بوده است و اذان گویی و حفظ اوقات اذان، از سوی پیامبر به بلال و ابومحذوره واگذار شده بود. گفته اند: عثمان، نخستین کسی بود که برای مؤذنان مستمری مقرر کرد. سالم بن عامر، سرپرست مؤذنان مسجد جامع فسطاط مصر از سوی عمرو عاص بود و قلقتندی نیز برای مؤذنان احکامی را در عصر عباسی نقل کرده است. (ر.ک: کتانی، عبدالحی، *نظام اداری مسلمانان در صدر اسلام*، ترجمه: علیرضا ذکاوتی قراگزولو، ص ۵۳ - ۵۵؛ قلقتندی، احمد بن علی، *صبح الأعشی فی صناعة الإنشاء*، بیروت: دار الکتب العلمیة، ج ۱۰، ص ۲۴۴ - ۲۵۹)

۱۱۵. ابن شهر آشوب، *مناقب آل ابی طالب*، پیشین، ج ۳، ص ۹۰.

۱۱۶. ابن سعد، محمد بن سعد، *الطبقات الکبری*، تحقیق: محمد بن صامل السملی، بیروت: دار صادر، طائف: مکتبة الصدیق، الطبعة الأولى، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۲۲۱؛ طبری، *تاریخ الأمم والملوک*، پیشین، ج ۳، ص ۵۳۰.

۱۱۷. ر.ک: جنابی، کاظم، *تخطیط مدینة الکوفة*، بغداد: ۱۳۸۶ق، ص ۱۲۹؛ ابن مشهدی، *المزار*، پیشین، ص ۶۳.

۱۱۸. ابن مسکویه، احمد بن محمد، *تجارب الأمم*، تهران: سروش، ۱۳۶۶ش، ج ۲، ص ۱۷۳؛ طبری، *تاریخ الأمم والملوک*، پیشین، ج ۴، ص ۵۲۲.

۱۱۹. ر.ک: ابن سعد، *الطبقات الکبری*، پیشین، ج ۵، ص ۵۶۶. بنی ظفر بن ظفر بن محارب بن عمرو

- بن ودیعة بن لکیز بن افضی بن عبدالقیس، ظاهراً از بطون قبیله عبدالقیس هستند.
۱۲۰. الطریحی، مجمع البحرین، تحقیق: احمد حسینی، مکتب النشر الثقافة الإسلامية، الثانية، ۱۴۰۸ق، ص ۱۸؛ ابن مشهدی، المزار، پیشین، ص ۱۱۹.
۱۲۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار (ع)، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۴۳۶.
۱۲۲. هیشمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد، تحقیق: عبدالله محمد درویش، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۲ق، ج ۷، ص ۴؛ طبرانی، سلیمان بن احمد لخمی، المعجم الكبير، تحقیق: حمدي عبدالمجيد سلفی، بیروت: دار إحياء التراث العربي، الطبعة الثانية، ۱۴۰۴ق، ج ۱۹، ص ۲۴۴. نباید این مسجد را با مسجدی به همین نام در جنب بقیع غرق در مدینه طیبه که در روایات عامه آمده است، یکی دانست.
۱۲۳. صدوق، محمد بن علی، الخصال، تحقیق: علی اکبر الغفاری، بیروت: مؤسسه الأعلمی، الطبعة الأولى، ۱۴۱۰ق، ص ۲۰۰؛ کلینی، الکافی، پیشین، ج ۳، ص ۴۸۹، ح ۱.
۱۲۴. ماسینیون، خطط الکوفة و شرح خريطتها، پیشین، ص ۲۹.
۱۲۵. جعيط، الکوفة کوفة نشئة المدينة العربية الإسلامية، پیشین ص ۶۷.
۱۲۶. همان، ص ۳۵۷.
۱۲۷. طریحی، مجمع البحرین، پیشین، ج ۴، ص ۳۸۷.
۱۲۸. طبری، تاریخ الأمم والملوک، پیشین، ج ۴، ص ۵۲۲؛ ابن اثیر، الكامل فی التاريخ، بیروت: دار صادر، ج ۴، ص ۲۳۴.
۱۲۹. ربک: جعيط، الکوفة کوفة نشئة المدينة العربية الإسلامية، پیشین، ص ۲۸۰؛ فروشانی، نعمت الله صفری، پیشین ص ۱۳۸.

۱۳۰. کلینی، الکافی، پیشین، ج ۳، ص ۴۹۵، ح ۲.
۱۳۱. محمدی ری شہری، محمد و همکاران، دانش نامہ امام مہدی علیہ السلام، قم: دار الحدیث، ۱۳۹۳ ش، ج ۳، ص ۵۸.
۱۳۲. جعبط، الکوفۃ کوفۃ نشۃ المدینۃ العربیۃ الاسلامیۃ، پیشین، ص ۳۵۸ و ۳۶۰.
۱۳۳. ابن طاووس، سید علی بن موسی بن جعفر، إقبال الأعمال، تحقیق: جواد قیومی اصفہانی، مکتب الإعلام الإسلامی، الطبعة الأولى، ۱۴۱۴ ق، ج ۲، ص ۶۴۵.
۱۳۴. طریحی، مجمع البحرین، پیشین، ص ۹؛ ابن مشہدی، المزار، پیشین، ص ۱۴۳.